

پیدایش یک حاشیه شهر بر پیکر کلان شهر مشهد:
تحلیلی جامعه‌شناختی - اقتصادی از فرایند شکل‌گیری محله قلعه‌خیابان در شهر مشهد

احمد رمضانی فرخند (دانشجوی دکتری اقتصادی و توسعه . دانشگاه فردوسی مشهد)

ahmad.ramezani60@gmail.com

حسین اکبری (دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد. نویسنده مسئول)

h-akbari@fum.ac

مجید فولادیان (استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد)

fouladiyan@um.ac.ir

میثم موسایی (استاد گروه برنامه ریزی رفاه دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران)

mousaaei@ut.ac.ir

چکیده

حاشیه شهر مشهد مجموعه‌ای از مراکز جمعیتی است که طی سال‌ها پیرامون کلان‌شهر مشهد گسترش یافته است و معضلات گوناگونی را برای کلان‌شهر مشهد پدید آورده است؛ بر این اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی جامعه-شناسی اقتصادی فرایند شکل‌گیری و تداوم محله قلعه‌خیابان در شهر مشهد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محلات حاشیه-نشین، با استفاده از رویکرد تفسیری و روش تحقیق کیفی و بر پایه مطالعه اسناد و مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته با ۲۱ نفر از نخبگان، ساکنان و مطلعان از محله قلعه‌خیابان انجام شده است. مصاحبه‌ها به روش نمونه‌گیری گلوله برفی و تا رسیدن به اشباع نظری انجام شده است. نتایج تحقیق استخراج ۸۲ مقوله فرعی، ۲۸ زیر مقوله و ۱۰ مقوله اصلی را نشان داد.

نتایج نشان داد سیاست‌های دولت، سیاست‌های مدیریت شهری، سیاست‌های آستان قدس و وجود روستای قلعه خیابان بسترهای لازم جهت شکل‌گیری اولیه محله قلعه خیابان را آماده نموده است. در مراحل مختلف تاریخی و به‌دلیل تحولات و سیاست‌های اصلاحات ارضی، جنگ در افغانستان، سیاست‌های قلع مدیریت شهری و ادغام نشدن پردشدگان در اجتماع و اقتصاد شهر مشهد، باعث ایجاد و تقویت موج‌های مهاجرتی گروه‌های اجتماعی و اقتصادی مختلف مانند افغان‌ها، چلوها، بلوچ‌ها، بیکاران و مطرودین شهری به محله قلعه خیابان شده و در کنار گسترش خشکسالی در سایر نواحی کشور، وجود گمنامی، وجود پیوندهای خویشاوندی با ساکنین یا مهاجرین پیشین و گسترش مشاغل غیررسمی و ایجاد یک زیست بوم اقتصادی ادغام نشده در اقتصاد شهری، موجب تداوم و تثبیت حاشیه‌نشینی و در نهایت شکل‌گیری یکی از مهمترین محلات حاشیه شهر مشهد شده است.

واژگان کلیدی: حاشیه‌نشینی، شکل‌گیری، محله قلعه‌خیابان، شهر مشهد، تحقیق کیفی.

۱- مقدمه

حاشیه‌نشینی یکی از پیامدهای منفی انقلاب صنعتی است. پیدایش حاشیه‌نشینی به شهرهای کشورهای صنعتی و غربی نسبت داده می‌شود، اما سهم عمده جمعیت حاشیه‌نشین دنیا در حال حاضر در کشورهای درحال توسعه وجود دارد (زنجان، ۱۳۷۱، ص. ۵). حاشیه‌نشینی در ایران پدیده‌ای است که پس از ورود و استقرار سرمایه‌داری وابسته و رشد جمعیت شهری به ویژه از اوایل قرن حاضر (۱۳۲۰ شمسی) به وجود آمده است (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹، ص. ۳)؛ یعنی زمانی که گسترش تأسیسات شهری و شبکه ارتباطی و همچنین افزایش درآمد نفت موجب رونق شهرها و ایجاد جاذبه‌های شهری شد و از سوی دیگر، اصلاحات ارضی و مکانیزاسیون دافعه روستایی را تشدید کرد (احمدیان، ۱۳۸۲، ص. ۲۷۷)؛ بر همین مبنا، جمعیت شهری ایران از ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۴ درصد در سال ۱۳۹۵ رسید (مرکز آمار ایران، ۱۳۳۵، ۱۳۹۵). گسترش شهرنشینی به همراه نبود برنامه‌ریزی و نبود مدیریت حاشیه‌نشینی سبب شده است که امروزه بیشتر شهرهای کشور به نوعی با معضل حاشیه‌نشینی روبه‌رو باشند (محسنی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۵)؛ به گونه‌ای که جمعیت حاشیه‌نشین در کشورمان از ۷/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۷۵ به ۱۹ میلیون نفر در سال ۱۳۹۹ افزایش یافته است؛ یعنی از هر چهار ایرانی یک نفر در حاشیه شهرها سکونت دارند (لوح فشرده آمارنامه حاشیه شهر مشهد، ۱۳۹۹).

حاشیه‌نشینی در کلانشهر مشهد همواره یکی از معضلات اصلی پیش روی مدیریت شهری و کشوری به شمار می‌آید که ساماندهی آن همواره پاشنه‌آشیل مدیریت شهری به شمار می‌رود. امروزه حاشیه‌نشینی مانند کمربندی دور تا دور شهر مشهد را در بخش‌های شمال، شمال شرق و شمال غرب در هشت پهنه و ۶۶ محله شهری به وسعت ۳۸۹۴ هکتار فراگرفته است. مرور داده‌های جمعیت شناختی سرشماری نفوس و مسکن حاکی از آن است که در دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۵۵؛ جمعیت حاشیه‌نشین شهر مشهد از ۴۶،۲۶۲ به ۱،۱۹۳،۱۹۶ نفر افزایش یافته است که این میزان جمعیت در بازه زمانی ۴۰ ساله، از ۷ درصد مجموع ساکنین شهر مشهد به ۳۹ درصد افزایش یافته است، به عبارت دیگر جمعیت حاشیه‌نشین شهر مشهد در طول این دوره زمانی ۲۴،۷ برابر شده است، در صورتی که درصد رشد جمعیت در سایر مناطق شهری در این بازه زمانی معادل ۱/۸ درصد رشد بوده است. لذا نحوه پیدایش، بازتولید و تداوم مناطق حاشیه‌نشین، مهم‌ترین پرسشی است که پژوهشگران شهری با آن روبرو هستند.

صاحب نظران دیدگاه بوم‌شناختی از قبیل کلینارد^۱، مکیتاش^۲، ورث^۳، برگس^۴ و هویت^۵ (کلینارد^۶، ۱۹۶۶، ص. ۱۸). در پاسخ به این پرسش، مهم‌ترین علل پیدایش مناطق حاشیه شهر را مهاجرت از روستا به شهر، تغییر در نحوه استفاده از زمین‌های شهری، تغییر در وضعیت اجاره، دسترسی راحت‌تر به محل کار، کمبود

1. Clinard
2. Machintosh
3. Wirth
4. Burgess
5. Hoyet
6. Clinard

مسکن و مواردی از این دست می‌دانند. در مقابل نظریه‌پردازانی از قبیل روستوا، ترنر^۲، آبرامز^۳ و لوئیس^۴ که از نظریه‌پردازان دیدگاه لیبرالیستی هستند (فگو^۵، ۲۰۰۷). پیدایش سکونتگاه‌های حاشیه‌نشین را فرایندی طبیعی تلقی می‌کنند (پیران، ۱۳۷۳، ص. ۹۷) و از آن به‌منابۀ معلول عوامل داخلی در کشورهای جهان سوم و در جهت گذار از جامعه سنتی به جامعه‌ای صنعتی به‌عنوان ضرورتی در فرایند این تحول نام می‌برند (احمدی‌پور، ۱۳۷۴، ص. ۳۴). صاحب‌نظران دیدگاه رادیکال اسکان در مناطق حاشیه‌نشین در جهان سوم را از یک سو معلول مناسبات و روابط بین‌المللی و قدرت‌های مسلط جهانی و از سوی دیگر معلول ویژگی‌های ملی می‌داند (احمدی‌پور، ۱۳۷۴، ص. ۳۴). رادیکالیست‌ها مهاجرت‌ها را ناشی از خصوصیات کارکردی شهرها نمی‌دانند؛ بلکه ساختار اقتصادی نابسامان کشورهای در حال توسعه را که ناشی از ادغام این کشورها در نظام اقتصادی و تجارت جهانی است، در این امر دخیل می‌دانند (محمد و مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۷، ص. ۱۵). نظریه‌پردازان دیدگاه سیستمی نیز پیدایش مناطق حاشیه‌نشین را محصول روابط نابرابر عناصر (اجتماع، دولت، اقتصاد و فناوری) در جریان سیستم می‌دانند که در بروز مهاجرت به‌عنوان عامل پیدایش حاشیه‌نشین مؤثرند (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹، ص. ۲۶). طرفداران نظریه اقتصاد سیاسی فضا نیز بر این اعتقادند که باید پیدایش مناطق حاشیه‌نشین ناشی از مهاجرت از نقاط محروم به نقاطی که انباشت سرمایه در آنجا صورت گرفته است، دانست؛ در نتیجه حاشیه‌نشین محصول مستقیم روابط سرمایه‌داری و شبه‌سرمایه‌داری است که به دلیل حمایت‌نکردن نهادهای رسمی و قانونی از اقشار بهره‌ده، آن‌ها از قافله توسعه عقب مانده‌اند یا رانده شده‌اند (شریعت‌زاده، ۱۳۸۲، ص. ۲۴۵).

پژوهش‌های موحد و ظریفی (۱۳۹۱)، زنگی‌آبادی و مبارکی (۱۳۹۱)، ژان کلود^۶ (۲۰۱۰)، ژانگ^۷ (۲۰۱۱)، آر می بن^۸ (۲۰۱۲)، اکبری و قربانی (۱۳۹۹)، حسین‌زاده یزدی و یعقوبی (۱۳۹۹) و بهمنی و مولفت (۱۳۹۹) شناسایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشین را بررسی نموده‌اند. در این پژوهش‌ها که غالباً از روش‌های تحقیق کمی بهره گرفته‌اند، تلاش شده است از طریق آزمون‌های آماری، مهم‌ترین علل پیدایش حاشیه شهرها شناسایی شود. نتایج یافته‌های این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که گسترش فقر و بیکاری در روستاها، مهاجرت بی‌رویه، پاسخ‌گونی‌نکردن ظرفیت شهری به نیاز مهاجران، وجود باندهای زمین‌خواری و قدرت، ناتوانی مهاجران برای جذب‌شدن در محیط شهری و طردشدن آن‌ها، تغییرات اقلیمی، خشکسالی، جاذبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر، از مهم‌ترین عوامل پیدایش مناطق حاشیه شهر می‌باشد.

نکته مهم درباره پژوهش حاضر این است که در هیچ‌کدام از پژوهش‌های یادشده، فرایند شکل‌گیری و پیدایش یک محله حاشیه‌نشین با رویکرد کیفی بررسی نشده است؛ بنابراین تمرکز بر یک محله خاص و

-
1. Rostow
 2. Ternner
 3. Abrams
 4. Lewis
 5. Fegue
 6. Claude
 7. Zhang
 8. Armiah

استفاده از روش تحقیق کیفی را می‌توان به‌عنوان وجهه متمایز و نوآورانه پژوهش حاضر برشمرد. لذا در این پژوهش تلاش شده است تا شکل‌گیری و تداوم «محله قلعه‌خیابان» را به‌عنوان یکی از محلات حاشیه‌نشین در شهر مشهد که با جمعیتی بیش از ۳۳۰۰۰ نفر حاشیه‌نشین در مساحتی معادل ۱۵۲ هکتار به‌عنوان محدوده منفصل شهری در قسمت جنوب شرقی مشهد قرار دارد و طی ۶۰ سال گذشته رشد چشمگیر داشته (گزارش طرح تفصیلی شهرک شهید باهنر، ۱۳۹۱) و به یکی از پرآسیب‌خیزترین محلات شهر مشهد تبدیل شده است (اکبری، ۱۳۹۴؛ فولادیان و رضایی بحرآباد، ۱۳۹۸) را مورد تحلیلی جامعه‌شناختی-اقتصادی بررسی قرار داد؛ بر این اساس، در پژوهش حاضر سعی شده است به این پرسش اصلی پاسخ داده شود که فرایند شکل‌گیری و گسترده‌گی قلعه‌خیابان به‌عنوان یکی از مناطق حاشیه شهر مشهد چگونه بوده است؟

۲- روش‌شناسی تحقیق

۲-۱- روش تحقیق

روش تحقیق مطالعه حاضر از نظر هدف، کیفی و بر پایه مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته است. در این مطالعه برای جمع‌آوری داده‌ها از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد و با توجه به اهمیت نظرات نخبگان و پژوهشگران عرصه شهری و حاشیه شهر و به‌ویژه شناسایی و ارتباط با ساکنان و مطلعان قدیمی محله قلعه‌خیابان به‌عنوان مصاحبه‌شوندگان، از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی استفاده شد. مشارکت‌کنندگان در این مطالعه ۲۱ نفر از مطلعان، نخبگان، ساکنان و ذی‌نفعان مرتبط با حاشیه شهر و به‌ویژه محله قلعه‌خیابان بودند که از طریق مصاحبه با آن‌ها برای محقق پژوهش حاضر اشباع نظری حاصل شد. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی این افراد به‌عنوان مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

جنس		سن (سال)			تحصیلات			گروه‌بندی	
مر	زن	۱۵-	۳۱-	بیشتر از ۴۵	کمتر از دیپلم	کارشنا	کارشنا	سی‌ارشد	کارشنا
د		۳۰	۴۵			دی	دی	دی	دی
		۱	۵	۱۶	۳	۱۰	۹	۶	۴
		۶							۱۱

جهت تدوین مصاحبه نیمه ساختار یافته پس از ورود به میدان تحقیق چک لیست سوالات و یافته‌ها حداقلی اکتساب و سپس هشت سوال به‌عنوان سوالات مصاحبه نهایی انتخاب شدند که چیدمان سوالات طوری بود که دارای یک فرایند آغاز و پایان باشد. به طوری که یک سوال کلی و سوالات بیوگرافیک شروع شده و در ادامه با سوالات تعاملی، کاوشی و انگیزشی مصاحبه‌شونده را به سمت ادامه مصاحبه سوق می‌داد. این مصاحبه‌ها دربرگیرنده سوالاتی چون "اگر بخواهید خودتان را در چند ویژگی توصیف کنید، چطور توصیف

می‌کنید؟" "از محله قلعه خیابان چه چیزی می‌دانید، چه شناخت و یا خاطراتی از این محله دارید؟". این سوال کلی و بیوگرافیک کمک کرد که ضمن آشنایی با مشاهده شونده، میزان تسلط ایشان به موضوع مورد مصاحبه را ارزیابی قرار گیرد.

در ادامه در فرایند مصاحبه، برای فهم تخصصی‌تر موضوع تحقیق، به تدوین پرسش‌های تعاملی اقدام شد، بگونه‌ای که در اینگونه پرسش‌ها تمرکز محققین بر روی مشاهدات، مرور نوشته‌های پیشین و مصاحبه‌ها بود که در مراحل اکتشافی به دست آمده بود و در همین راستا در زمان مصاحبه، سه پرسش تعاملی از مشارکت کنندگان پرسیده شد که عبارتند از:

«عده‌ای می‌گویند اینجا قدمتی بیشتر از ۴۰۰ سال داشته و فارس‌ها اولین ساکنین این محله بودند، شما خاطره ای دارید که ما را در این قسمت یاری رساند؟»

«بر اساس اسناد که ما یافت کردیم، چلوه‌ها، افغان‌ها و بلوچ‌ها به این محله مهاجرت کردند، شما در این مورد چه اطلاعاتی دارید، آیا بجز این اقوام کسان دیگری هم به این محله مهاجرت کردند»

«آیا سیاستهای دولتی، به اندازه سیاستهای آستان قدس یا شهرداری بر شکل‌گیری این محله تاثیر گذار بود» پرسش‌های انگیزشی، پرسش‌های را شامل می‌شود که به مصاحبه‌شونده کمک می‌کند تا ضمن یادآوری مولفه‌ها و شاخص‌های مختلف موضوع تحقیق بتواند به آن پرسش‌های تحقیق پاسخ گفته، بصورتی که این پرسش‌ها به او نکاتی را که فراموش کرده یادآوری می‌کند و او را تشویق به جواب دادن می‌کند.

« اگر یادتان باشد، شما داشتید فرایند تاریخی شکل‌گیری را بیان می‌کردید، از دهه، ۵۰ یا ۶۰ چه چیز دیگری خاطرتان هست»

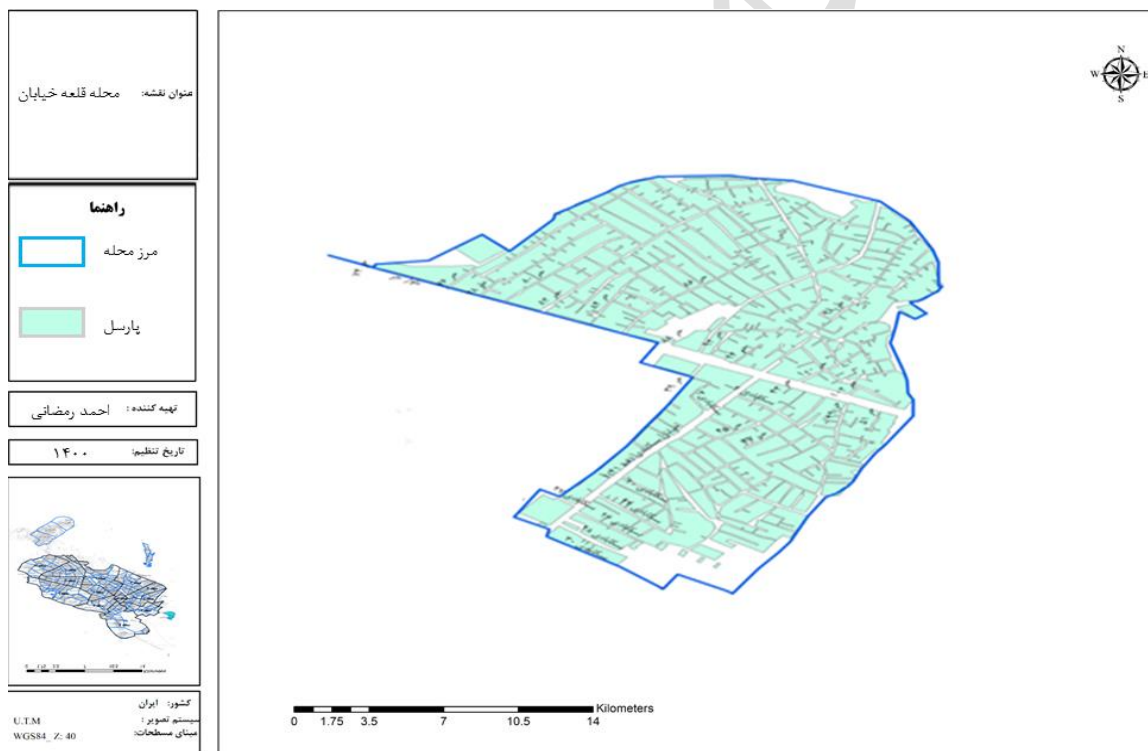
در این پژوهش به دلیل ماهیت موضوع و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها (مصاحبه نیمه ساختاریافته) از تحلیل مضمون^۱ بهره گرفته شد. تحلیل مضمون از متعارف‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تحلیل داده‌های کیفی است. تحلیل مضمون عبارت است از تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به یک سنج‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد (محمد پور، ۱۳۹۲: ص. ۶۶). برای این منظور محققین به طور همزمان بر روی پیوستار، نگاه از درون و بیرون میدان به متن حرکت کرده و با ساخت و تدوین مقوله‌ها مستخرج از طریق کدگذاری و گروه‌بندی مقوله‌ها به کشف معانی و تم‌های زیرین اقدام نموده و در ادامه هر یک از مقوله‌های اصلی را به صورت تحلیلی جامعه شناختی در بازه‌های زمانی تاثیرگذار مورد بررسی گرفته شد.

آنچه در شبکه مضامین این پژوهش عرضه گردید، نقشه‌ای شبیه تارنما به مثابه اصل سازمان دهنده و روش نمایش است. به گونه‌ای که بر اساس روندی معین، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان دهنده (مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به مثابه کل) را نظام‌مند نموده است، سپس این مضامین با توجه به پیچیدگی داده‌ها و

معطوف به هدف تحلیلی به صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده شد.

۲-۲- معرفی قلمرو تحقیق

جامعه آماری پژوهش حاضر، محله «قلعه‌خیابان» یا «شهرک شهید باهنر» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محلات حاشیه‌نشین در شهر مشهد بود. در سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران تا سال ۱۳۸۵، این شهرک به نام روستای «قلعه‌خیابان» به‌عنوان زیرمجموعه دهستان میامی از بخش رضویه شهرستان مشهد شناخته شده است، اما این شهرک از تیرماه ۱۳۸۹ به محدوده شهری افزوده شد و از خدمات شهرداری برخوردار شد. این محله با تراکم نسبی ۲۷۴ نفر در هر هکتار، در حاشیه شهر مشهد واقع شده است. از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی این محله می‌توان به وجود مشکلات کالبدی، مشکلات امکانات شهری، مشاغل غیررسمی، آسیب‌های اجتماعی، بافت قومیتی (متشکل از اقوام فارس، بلوچ، افغان و چلو)، بی‌هویتی، اعتیاد و تنوع مذاهب (شیعه و سنی) اشاره کرد (شریفی پستچی، جوان، شایان و رهنما، ۱۳۹۴، ص. ۹).



شکل ۱- نقشه محدوده مورد بررسی در کلان شهر مشهد

منبع: دبیرخانه شورای اجتماعی محلات

براساس آمار سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، محله قلعه‌خیابان ۳۳۹۴۴ نفر جمعیت داشته است که ۱۷۱۲۱ نفر از این جمعیت را مردان و ۱۶۸۲۳ نفر را زنان تشکیل دادند. از مهم‌ترین ویژگی‌های جمعیت-

شناختی مطابق با جدول شماره ۲، در محله قلعه‌خیابان می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت: تمرکز جمعیت در گروه سنی صفر تا ۴ سال و ۲۵ تا ۲۹ سال، نزدیک به ۷۰۰۰ هزار نفر بی‌سواد (زن ۳۹۰۳ و مرد ۳۰۳۷ نفر)، بیش از ۱۱۵۰۰ نفر شاغل (۸۲۹۳ مرد شاغل و ۲۲۲۱ زن شاغل)، بیش از ۱۲۰۰ نفر بیکار، ۱۶۳۸ نفر مهاجر خارجی رسمی و بیش از ۸۰۰۰ مسکن که غالب آن‌ها کمتر از ۷۵ متر مساحت دارند (ریزدانگی).

جدول ۲- مشخصات جمعیت‌شناختی ساکنان محله قلعه‌خیابان

فعالیت								وضعیت سواد		متغیرهای جمعیتی
کل مهاجران قانونی	دارای درآمد بدون کار	خانه‌دار	محصل	جمعیت بیکار زن	جمعیت بیکار مرد	جمعیت شاغل زن	جمعیت شاغل مرد	بی‌سواد	باسواد	
۱۶۳۸	۱۶۸۳	۸۱۷۱	۳۴۷۴	۱۴۷	۹۱۹	۲۲۲۱	۸۲۹۳	۶۹۴۰	۲۱۳۲۰	تعداد
				۱۴٪	۸۶٪	۲۱٪	۷۹٪	۲۵٪	۷۵٪	درصد

منبع: سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵

۳- یافته‌های تحقیق

همچنان که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌نمایید، در فرایند کدگذاری صورت گرفته با ۸۲ مقوله فرعی، ۲۸ زیر مقوله و ۱۰ مقوله اصلی روبرو گردید، که یافته‌های این قسمت در دو گروه قابلیت تحلیل جامعه‌شناختی دارد: الف- چگونگی شکل‌گیری محله قلعه‌خیابان به‌عنوان روستا و ب- چگونگی تغییر شکل دادن یا تبدیل محله قلعه‌خیابان به منطقه‌ای در حاشیه شهر مشهد که به ترتیب شامل این موارد می‌شود: اصلاحات ارضی، مهاجرین ادغام نشده، امنیت داخلی و ناامنی خارجی، سیاست‌های مهاجرت اجباری، تکنولوژی و مهاجرت صاحبان صنایع سنتی، سیاست قلع و هجوم طردشدگان شهری، بحران منزلتی ساکنان قدیمی و مهاجرت معکوس، مهاجرت قوم بلوچ، اتخاذ سیاست‌های پذیرش حاشیه به‌عنوان محدوده شهری و مشخص کردن مرز شهری.

جدول ۳- مقولات چگونگی فرایند پیدایش و بازتولید محله قلعه خیابان

مقوله اصلی	زیر مقوله	مقولات فرعی
پیدایش روستا	جنبه های مذهبی شهر مشهد	دستور شاه عباس، کشاورزان اصیل، سکونت آبیاران، شکل گیری قلعه، سکونت در اطراف مسجد شیعیان
اصلاحات ارضی	سیاست اعطای زمین مهاجرت روستائیان مهاجرت مطرودین	وجود زمین های کشاورزی، حضور خوشه نشینان، بی آبی، تقسیم زمین- های بزرگ مالکان، سکونت دو قشر آبیاران و خرده کشاورزان، مهاجرت غربت ها، تربتی ها و گنابادی ها، نداشتن مهارت و سرمایه انسانی، کاهش بازده زمین، کار در کوره پزخانه ها، پایه گذاری حضور گروه های طرد شده شهری.
توسعه شهرسازی	ساختمان سازی مهاجرت روستائیان شکل گیری حلیی آباد	تراکم جمعیتی، مهاجرت روستائیان برای کار ساختمانی، کار در منازل، تشدید خشکسالی در استان های جنوبی، قیمت کم زمین، چندپاره شدن هویت سنتی، از بین رفتن نظم، شکلگیری حلیی آباد، تشدید مهاجرت روستائیان جنوب استان.
امنیت داخلی و ناامنی خارجی	مهاجرت خارجی ادغام اقتصادی و اجتماعی در محله شبکه های اجتماعی و پیوند فرهنگی	مسیر منتهی به مشهد، حضور افغان ها اولیه دوران قاجار، فعالیت فروش پوست، تصرف خزنده افغان ها، مهاجرت افغان ها به محله، جنگ داخلی در افغانستان، نبود برنامه ریزی و نظارت، شبکه خویشاوندی افغانها، پیوند مذهبی، فرصت اشتغال.
سیاست های مهاجرت اجباری	مهاجرت گروهی اجباری تفاوت در فرهنگ و سبک زندگی جرم خیز به واسطه گنای استان قدس و سیاست فقر زدایی	مهاجرت اجباری چلوه ها، عدم ادغام اقتصادی و اجتماعی، فاقد شناسنامه، حضور پاکستانی ها، تفاوت در مذهب و سبک زندگی، گسترش حضور مجرمین در پوشش چلوه ها، تمایز با ساختارهای اجتماعی، گمنامی، ناراضی ساکنین اصیل، سیاست های فقرزدایی استان قدس.
رشد تکنولوژی و مهاجرت صاحبان صنایع	مهاجرت صاحبان صنایع سنتی عدم تقاضا در محیط شهری رشد تکنولوژی مدرن	تغییرات تکنولوژی، به حاشیه راندگی صنایع سنتی، تولید صنایع برای کشاورزان، واگذاری زمین ها به واسطه بدهی، تغییر ساختار.
سیاست قلع و عدم ارائه خدمات	سیاست های سخت گیرانه در محیط شهری مهاجرت فقرا هجوم طردشدگان شهری	سیاست های قهری در محیط شهری، هجوم طرد شدگان به واسطه ارزانی زمین، تقطیع و فروش سود طلبانه، عدم نظارت بخشداری، دسترس پذیری، ارزانی زمین، حضور فقرا، کاهش انسجام، تنوع سکنه، کوچک شدن زمین ها.
مهاجرت معکوس	از بین رفتن امنیت بحران منزلتی ساکنان کاهش تعاملات سنتی سیاست های استان قدس	سیاست اعطای زمین به آبیاران استان قدس، گسترش ناپهنجاری، احساس محرومیت، عدم امنیت، کاهش تعاملات دوستانه، مهاجرت به بخش رضویه، کاهش انسجام جامعه سنتی.
مهاجرت قوم بلوچ	سیاست های کشوری خشکسالی پیوندهای اجتماعی	نبود نظارت، مسیر ارتباطی با روستاها و شهرهای شرق، خشکسالی، وضعیت بد اقتصادی، شناخت از جامعه مقصد، مسدود کردن مرز، کاهش درآمد، نظام خویشاوندی.
افزافه شدن به محدوده شهری	افزایش قیمت مسکن ارائه خدمات شهری	نابسامانی کالبدی، ارائه خدمات، افزایش قیمت مسکن، تغییر اهنگ مهاجرت، بیش از ۵۰ هزار جمعیت، عدم توانایی مدیریت سنتی، ناتوانی بخشداری، افزایش تراکم جمعیتی.

منبع: مطالعه حاضر بر اساس تحلیل مصاحبه های صورت گرفته

همچنان که در شکل شماره ۲ مشاهده می‌شود، یافته‌های کیفی تحلیل مضمون را با مقولات اصلی در شکل-گیری و پیدایش محله قلعه‌خیابان روبرو نمود که نه تنها در یک دوره زمانی سبب تغییرات و دگرگونی در محله قلعه خیابان شده است، بلکه فرایند تحولات و خط سیر تاثیرات آن در دهه‌های آتی همچنان وجود دارد؛ در ادامه این تحولات و عوامل مؤثر بر آن‌ها به صورت تحلیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد.



شکل ۲- خط سیر تحولات مؤثر بر پیدایش قلعه خیابان

۳-۱- سیر تاریخی پیدایش و شکل‌گیری محله قلعه خیابان

ریشه پیدایش و شکل‌گیری محله قلعه خیابان به عنوان یک واحد روستایی در دوره صفوی تخمین زده شده است. سیدی^۱ که از مشهدشناسان به نام می‌باشد، در مصاحبه به این موضوع اشاره کرد: -پس از آنکه شاه عباس در کوهسنگی تاج‌گذاری کرد، نذر کرد چنانچه او را به عنوان پادشاهی ایران بشناسند، با پای پیاده به پابوسی امام رضا (ع) مشرف شود و مشکل کم‌آبی مشهد را برطرف کند. او پس از مشرف شدن به مشهد اولین خیابان شهر مشهد را به طول تقریباً سه کیلومتر از دروازه قوچان (میدان توحید فعلی تا دروازه بالاخیابان (حدود پنج‌راه کنونی) احداث کرد و با حفر کانالی در میان آن آب چشمه گلسب (چشمه گیلان) را به مشهد منتقل کرد. او سپس مقدار وسیعی از اراضی بیرون دروازه پایین خیابان را خرید و

۱. این مصاحبه توسط نویسنده اول مقاله با آقای سیدی در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۲ انجام شد.

به آب مزبور اختصاص داد تا با آن زارعت شود و حاصلش صرف دادن طعام رایگان به زوار حرم حضرت رضا (ع) شود.

در وقف‌نامه آب خیابان، مورخ ۱۰۲۳ ه. ق. نیز به این اراضی که از دروازه پایین خیابان به طرف سرخس چهار فرسخ طول و حدود پنجاه کیلومتر پیرامون دارد و با ۲۰ روستا هم‌جوار بوده است، اشاره شده است (مولوی، بی‌تا، ص. ۴۷)؛ بنابراین پیدایش این روستا را باید به‌واسطه نوع سیاست‌گذاری شاه عباس صفوی در سال ۱۰۱۰ قمری / ۱۶۰۱ میلادی دانست؛ به‌عبارتی بیش از ۴۰۰ سال از حیات روستای قلعه‌خیابان می‌گذرد. در این دوره تاریخی، افراد ساکن در این اراضی را کشاورزانی تشکیل می‌دادند که در این زمین‌ها به کشاورزی مشغول بودند و پس از انقلاب سفید و تقسیم اراضی، مهاجرت روستاییان به این روستا شدت بیشتری یافت (نجف‌زاده، ۱۳۸۸). از این دوره محله قلعه‌خیابان شاهد استقرار و گسترش رشد مهاجران زیادی بوده است که به‌واسطه تحولات مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در این محله اسکان یافتند. به مرور زمان، تغییرات جمعیتی، ترکیب اقوام و مذاهب، تغییر در روند توسعه کالبدی و فضایی، تغییر در اشتغال و تغییر در شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی روی دادند.

۳-۲- مهم‌ترین تحولات مؤثر بر پیدایش محله قلعه‌خیابان

۳-۲-۱- تحولات اصلاحات ارضی

اصلاحات ارضی به تبع نظریه‌های توسعه روستا^۱ به‌عنوان مرحله ماقبل خیز توسعه، در اسفند ماه سال ۱۳۴۴ با هدف انتقال مالکیت زمین از خوانین و اربابان به تقریباً دو میلیون نفر از رعیت‌ها یا کشاورزان دارای شرایط و در سه مرحله اجرا شد (مرکز آمار ایران، ۱۳۵۴، صص. ۲۴۴-۲۴۵). تا قبل از اصلاحات ارضی بیشتر، ساکنان محله قلعه‌خیابان را دو قشر آبیاران و کشاورزان زمین‌های آستان قدس و خرده کشاورزان شاغل بر زمین‌های بزرگ مالکان تشکیل می‌دادند. با اجرایی شدن اصلاحات ارضی، علاوه بر خرده مالکان که به تبع تقسیم اراضی به محله قلعه‌خیابان مهاجرت کردند، بخشی از جمعیت که فاقد حق نسق و بهره‌برداری عرفی از زمین بودند (خوش‌نشینان، غربت‌ها و گروه‌های طردشدگان) نیز به این محله مهاجرت کردند و بافت جمعیتی جدیدی را تشکیل دادند. حضور این مهاجران سبب درهم‌شکستن مناسبات کهنه زمین‌داری در این حوزه شد.

تحلیل یافته‌های تحلیل مضمون همچنان نشان می‌دهد که خرده‌مالکان جدید به دلیل نداشتن مهارت و سرمایه انسانی، در سال‌های بعد با کاهش بازده زمین‌ها روبه‌رو شدند که به تبع آن تشدید فقر اقتصادی آن‌ها را به همراه داشت؛ بنابراین این گروه قطعاً از زمین‌های خود را به مهاجران جدید واگذار کردند. کوچک شدن قطعات کشاورزی خرده‌مالکان و مهاجران جدید موجب شد این مهاجران به‌صورت فصلی در این مناطق مشغول به کار شوند و در فصول سرد سال نیز غالباً در مشهد یا در کوره‌پزخانه‌ها مشغول به کار شوند. واگذاری زمین‌های کشاورزی به مهاجران جدید ضمن اینکه بر میزان تراکم جمعیتی روستای قلعه‌خیابان

1. Rostow

افزود، به تغییر آهنگ مهاجرت در این محله نیز انجامید؛ به طوری که مهاجران جدید در تعاملات کاری خود در شهر مشهد و کوره‌پزخانه‌ها پای افرادی را به این محله باز کردند که جزو پردشدگان شهر مشهد بودند؛ بنابراین مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر بر این باور بودند که اصلاحات ارضی مهم‌ترین تکانه اثرگذار بر مهاجرت و تغییر بافت جمعیتی محله قلعه‌خیابان را پایه‌گذاری کرده است.

۳-۲-۲- مهاجرین ادغام نشده اقتصادی

در اوایل دهه ۱۳۵۰ هجری شمسی هم‌زمان با تغییرات در ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران، مهاجرت روستاییان به شهر مشهد افزایش یافت؛ مهاجرانی که عموماً در صنعت ساختمان‌سازی یا در مشاغل غیرتخصصی یدی مانند مستخدمی در منازل، سرایداری، باغبانی، پیش‌خدمتی، تکدی‌گری، دوره‌گردی و دست‌فروشی مشغول به کار شدند. این افراد به واسطه قیمت کم زمین ترجیح دادند در این محله مستقر شوند؛ بنابراین پس از استقرار مهاجران جدید شهری، هویت روستای قلعه‌خیابان دچار چندپارگی شد؛ به طوری که حضور اقشار متفاوت با فرهنگ‌های مختلف سبب ازین‌رفتن نظم پیشین در این محدوده شد. مهاجرانی که با خرید زمین‌های کشاورزی به قیمت بسیار اندکی در محله قلعه‌خیابان ساکن شدند، چادرنشینی، اسکان نامناسب شهری و حلبی‌آباد را برای این محله به همراه آوردند. در این دوره تاریخی این محله نمونه تمام‌عیار گروه‌های ادغام‌نشده در بدنه اجتماعی و اقتصادی جامعه میزبان بود؛ گروه‌هایی که به لحاظ اقتصادی و اجتماعی در بدنه شهر آمیخته و جای‌گیر نشدند و به حاشیه رانده شدند و کمترین استانداردهای زندگی را داشتند.

رنجبر از مصاحبه‌شوندگان و از کشاورزان قدیمی منطقه قلعه‌خیابان مطرح کرد:

اینهایی که آمدند، تو شهر نوکری می‌کرد، نون نداشتند بخورند. می‌رفتند دم بست (حرم) کارگری.

به پشتوانه حضور این خانواده‌ها (مهاجران پردشده شهری) در این محله، همواره در دهه‌های بعدی موج مهاجرت افراد فاقد سرمایه از روستاهای استان تشدید شد. این مهاجران ارتباط سست خود را با جامعه شهری از سر ناچاری بدون اینکه جذب جامعه شوند، ادامه می‌دادند. این پدیده نه تنها فاصله عمیق و عظیم طبقاتی در این محله را شدت بخشید، بلکه باعث شد اقشار حاشیه‌ای اجتماعی بیش از پیش در برابر جنایت، فساد اخلاقی و ناهنجاری‌های اجتماعی آسیب‌پذیر شوند.

علی از خیران محله به این موضوع اشاره کرد:

از زمان شاه اینجا خلفا کارها آمدند. این‌ها که آمدند با پول خلاف زمین‌ها را کم‌کم خریدند. بعد هم همه قدیمی‌ها که کشاورزی می‌کردند، از اینجا رفتند.

۳-۲-۳- امنیت داخلی و ناامنی خارجی

یکی از مهم‌ترین تحولاتی که در اواخر دهه ۱۳۵۰ هجری شمسی تأثیر بسیاری بر پیدایش و بازتولید جمعیت حاشیه‌نشین در محله قلعه‌خیابان داشت، تجربه جنگ و ناامنی در افغانستان بوده است؛ به طوری که براساس

داده‌های ثبتی، نرخ رشد جمعیت در دهه‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ در این محدوده بیش از ۱۵/۳۸ درصد رشد داشته است (شریفی پستیچی و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۹).

افغان‌ها یکی از بزرگ‌ترین مهاجران ساکن مشهد را تشکیل می‌دهند که در دهه‌های مختلف به مشهد مهاجرت کردند و بیشتر آن‌ها در محله‌های طلاب، همت‌آباد، گلشهر، پنج‌تن و قلعه‌خیابان اسکان یافتند (نجف‌زاده، ۱۳۹۲). از سال ۱۹۷۹ به‌دنبال هجوم شوروی به افغانستان، گسترش جنگ داخلی، ویرانی شهرها و روستاها و قحطی، وسعت و پهنة این مهاجرت فزونی گرفت. به گفته کریس جانسون، «از زمان تجاوز شوروی، جنگ در افغانستان باعث شد که بیش از ۶ میلیون نفر از مردم از طریق مرز به ایران یا پاکستان بگریزند» (جانسون، ۲۰۰۴، ص. ۶۶). شهر مشهد در این دوره به لحاظ تعداد خانوارهای مهاجر مقام دوم را در کشور به خود اختصاص داده است (عباسی شوازی، گلزبروک، جمشیدی‌ها، محمودیان و صادقی، ۲۰۰۵، ص. ۷). این مهاجران به‌سرعت وارد مشهد شدند و در مناطق مختلف روستایی و شهری سکونت گزیدند و با جمعیت ساکن مشهد مراودات گوناگون اقتصادی برقرار کردند (نجف‌زاده، ۱۳۸۸، ص. ۲۳۰).

نیک‌شو، از مشارکت‌کنندگان افغان در این مطالعه، تجربه زیسته خود را چنین بیان کرد:

پس از حمله شوروی به هرات، ما مجبور شدیم همراه فامیل‌مون که قندهاری بودند به مشهد مهاجرت کنیم. از خویشان قبلاً آمده بودند اینجا.

جنگ و ناامنی در افغانستان بر همه ابعاد زندگی افغان‌ها تأثیر گذاشت؛ به‌صورتی که نظم و ساختار اجتماعی این کشور را بر هم ریخت و افغان‌ها را به محیط امنی کشاند که تجربه سکونت در آن را نداشتند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که در تجربه افغان‌ها آنچه بیشتر از پیش مشاهده می‌شود، تجربه اندوه مزمن این افراد متأثر از مهاجرت‌های پی‌درپی، از بین رفتن اموال اقتصادی در جامعه مقصد و ازدست‌دادن منزلت اجتماعی است که سبب شد آن‌ها استراتژی حفظ بقا را جایگزین آن کنند. افغان‌ها در دو نوع قانونی - غیرقانونی و به‌دلیل نبود برنامه‌ریزی دولت، نبود سیاست‌گذاری آستان قدس به‌عنوان مالک زمین‌های کشاورزی این محله، شبکه اجتماعی و خویشاوندی، پیوندهای فرهنگی و پیداکردن شغل به‌واسطه وجود زمین‌های کشاورزی به محله قلعه‌خیابان مهاجرت کردند و بر تراکم جمعیتی این محله افزودند.

برخی مصاحبه‌شوندگان و اعضای فعال شورای اجتماعی محله قلعه‌خیابان بود، در این باره به این نکته اشاره کرد:

افغان‌ها اکثراً بعد از جنگ به این منطقه آمدند؛ چون فامیل‌هایشان اینجا بودند. خیلی کاری هستند و همه زمین‌های کشاورزی را خانوادگی گرفتند و به کارکردن شروع کردند. چون شیعه هستند، اینجا راحت فارسی صحبت می‌کنند، آمدند اینجا.

۳-۲-۴- سیاست‌های مهاجرت اجباری

در اوایل دهه ۱۳۶۰ هجری شمسی مهم‌ترین تحولی که سبب تغییر بافت و نظم اجتماعی و تبدیل روستای قلعه‌خیابان به حاشیه شهر شد، سیاست مهاجرت اجباری چلوها (افراد فاقد هویت) به محله قلعه‌خیابان بود که مدیریت شهری^۱ این تصمیم را برای رهایی از مشکلات ناشی از حضور آنان در محدوده شهری گرفت. محمدالدین از کسبه و قدیمی‌های محله قلعه‌خیابان در این باره بیان کرد:

از وقتی چلوها به این محله آمدند، نظم این محله به هم خورد. این‌ها که فاقد هرگونه مدرک معتبر بودند، به دستور شهردار وقت از شاه‌رخ شمالی به اینجا آمدند.

قوم چلوها که براساس مطالعات اسنادی و اکتشافی فاقد هرگونه مدرک شناسایی معتبرند، این قوم تلفیقی از کولی‌ها، پاکستانی‌ها و بلوچ‌ها هستند که به‌واسطه نوع مذهبشان (سنی)، نوع زبان (پاکستانی)، نوع پوشش، شغل، سبک مصرف و ساختار اجتماعی و خانوادگی از سایر ساکنان منطقه قلعه‌خیابان متمایزند و روابط اجتماعی این محله را با چالش مواجه کرده‌اند؛ به طوری که مشاهده‌ها و نتایج مصاحبه‌ها نیز نشان می‌دهد چلوها در طول تقریباً چهل سال گذشته (سال‌های ۱۳۶۰-۱۴۰۰) در جامعه میزبان پذیرفته نشدند و برای سکنی‌گزینی و اشتغال با محدودیت مواجه شدند.

ادغام به معنی ترکیب و همانندسازی و درآمیختگی گروه‌های جمعیتی متفاوت در جامعه است که به ایجاد انسجام اجتماعی و یکپارچگی منجر می‌شود (شووتر، هان و شورتر، ۱۹۹۴). چلوها به‌عنوان جمعیتی ادغام‌نشده، دسترسی به فرصت‌های اقتصادی محله قلعه‌خیابان و ایجاد مناسبات اجتماعی کارآمد با جامعه مقصد را از دست داده‌اند و به گوشه‌ای از این محله رانده شده‌اند. این طردشدگی توسط جامعه میزبان تهدیدی برای پیوستگی اجتماعی این محله به وجود آورده است؛ شکافی که با نشانه‌گرفتن میزان اعتماد، نارضایتی و سرخوردگی را به همراه داشته است.

یافته‌های مقولات تحلیل مضمون نشان می‌دهد که حضور چلوها ضمن افزایش سریع جمعیت بی‌ثباتی، درگیری قومی و نژادی، بی‌هویتی، تنش‌های فردی، فضای جرم و جنایت، فقر و تنگدستی، محرومیت و تبعیض را برای این محله به همراه آورده است. علی و محمدالدین از اعضای شورای اجتماعی محله به این نکته اشاره کرد:

ریشه بدبختی، فقر و جرم در این محله، همین قوم چلو هستند. این‌ها برای خودشان زندگی می‌کنند و هیچ قانونی را رعایت نمی‌کنند؛ چون شناسنامه‌ای ندارند.

- از وقتی چلوها به این محله آمدند، نظم این محله به هم خورد.

۱. شهردار وقت آقای صابری‌فر بوده است که بین سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴ موجب مهاجرت قوم چلوها به قلعه‌خیابان شد.

۳-۲-۵- تکنولوژی و مهاجرت صاحبان صنایع سنتی

مصاحبه‌های میدانی و مشاهده‌های محقق مطالعه حاضر مشخص کرد که اواسط دهه ۱۳۶۰ در محدوده قلعه‌خیابان طبقه اجتماعی متمایزی شکل گرفت. این طبقه که بیشتر شامل صاحبان صنایع سنتی و خرد شهری می‌شدند که به واسطه تغییرات تکنولوژی از اقتصاد شهری طرد شده و در این محله به واسطه حضور کشاورزان ریزدانه حضور یافتند و به اجاره‌دادن وسایل کشاورزی سنتی مشغول شدند.

حبیب از مصاحبه‌شوندگان قدیمی محله در این باره بیان کرد:

تقریباً از قبل از انقلاب این‌ها که کلنگ، داس، توبره و خرمن‌کوب و... درست می‌کردند، آمدند به محله قلعه‌خیابان. چون این‌ها توی شهر مشتری نداشتند.

یافته‌های تحلیل مضمون نشان می‌دهد که، مهاجران جدید با توجه به تغییر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، در فضای شهری درآمد زیادی نداشتند و به این محله مهاجرت کردند. صاحبان این صنایع با تولید وسایل صنعتی مورد نیاز کشاورزان و اجاره‌دادن آن‌ها معمولاً درآمد بیشتری در مقایسه با وضعیت خود قبل از مهاجرت و همچنین با کشاورزان بومی به دست می‌آوردند؛ به طوری که تعدادی از کشاورزان در سالهای آینده مجبور شدند به دلیل تنگناهای مالی زمین‌های زارعی خود را ما به ازای بدهی خود به این گروه واگذار کنند. این طبقه اجتماعی پس از تصاحب زمین آن را در اختیار مهاجران جدیدی قرار دادند که در بخش صنایع سنتی در محیط شهری مشغول به کار بودند و بدین واسطه زمینه‌ساز تغییر در ساختار اجتماعی و تراکم جمعیتی در این محله شدند.

۳-۲-۶- سیاست قلع و مهاجرت طردشدگان شهری

در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ جمعیت حاشیه‌نشین در شهر مشهد تقریباً سه برابر شد؛ به طوری که میزان جمعیت حاشیه شهر مشهد به ۴۷۸،۹۹۴ نفر افزایش یافت. در طول این دوران شهرداری و بخشداری مرکزی بارها با اتخاذ سیاست‌های قهری و خدمت‌رسانی نکردن، سیاست‌های تخریب محلات حاشیه‌نشین را اعمال کردند و تنها پس از وقوع حادثه نهم خرداد سال ۱۳۷۱ مدیریت شهری تصمیم گرفت با تساهل و تسامح با حاشیه‌نشینی مدارا کند (رمضانی فرخند، ۱۳۹۷). یافته‌های تحلیل مضمون نشان می‌دهد که در طول این دوره رشد شتابان جمعیت حاشیه شهر مشهد به همراه تعدد مالکیت با مشی‌های گوناگون و همچنین تقطیع و فروش خودسرانه و سودانگاران به افراد حقیقی و حتی هجوم شرکت‌های تعاونی در مناطق حاشیه شهر برای ساخت مسکن، مدیریت شهری را در اداره و کنترل محلات حاشیه‌نشین با مشکل مواجه کرد؛ بنابراین مدیریت شهری سیاست تخریب و خدمت‌رسانی نکردن را برگزید.

حبیب از ساکنان محله قلعه‌خیابان در این باره گفتند:

چون شهرداری خیلی سخت‌گیری می‌کرد، آمدم قلعه‌خیابان. خانه‌هاش ارزون‌تر بود. جمعیت این منطقه خیلی زیاد شد؛ چون نمی‌شد جای دیگه‌ای ساخت.

ویژگی‌هایی از قبیل روستا بودن محله قلعه‌خیابان و نبود نظارت بر ساخت‌وساز، دسترسی‌پذیری، ارزانی زمین و خدمات، گمنامی به‌همراه سیاست‌های سخت‌گیرانه و قلع در شهر مشهد، سبب شد موج جدیدی از مهاجرت در محله قلعه‌خیابان شکل بگیرد. جمعیتی که در طول این دوران به منطقه قلعه‌خیابان اضافه شدند، غالباً یک ویژگی بارز داشتند و آن «فقر» بود. در واقع تراکم فقر به‌واسطه حضور طردشدگان اجتماعی روی داد؛ اتفاقی که براساس نظریات جامعه‌شناسی سبب شد ضمن گسسته‌شدن روابط افراد با هم و گسست در مشارکت آن‌ها، کاهش انسجام و ایجاد تنوع در این محله روی دهد. پیامد این تغییرات این بود، محله‌ای که ابتدا روستا بود، با توسعه شهرنشینی شکلی متفاوت و ناموزونی از توسعه را تجربه کرد و سبب مهاجرت معکوس ساکنان اصیل آن از این محله شد.

۳-۲-۷- مهاجرت معکوس

از اوایل دهه ۱۳۷۰ هجری شمسی آمارهای جمعیتی تحرک جمعیتی را نشان داده‌اند؛ به‌طوری‌که میزان تغییرات رشد جمعیت در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ محله قلعه ساختمان، ۰/۱۵ درصد بوده است؛ در صورتی‌که این میانگین برای مناطق شهری ۲/۵۷ درصد رشد جمعیتی بوده است (اساس شهر شرق، ۱۳۹۱) که جدا از سیاست‌های کنترل جمعیت در کشور، مهاجرت معکوس بومیان قلعه‌خیابان - که توان مالی بهتری داشتند - به مشهد و شهرک رضویه دلیل اصلی آن بوده است؛ بومیان اصیلی که به‌دلیل محرومیت محله و رواج ناهنجاری‌های اجتماعی در آن منزلت و جایگاه خود را در خطر دیدند و از محله خود مهاجرت کردند. رحیم از کسبه محله در این باره بیان کردند:

- پدر و خودم همین‌جا به دنیا آمدم، ولی از سال ۷۴ از این محله رفتیم. دیگه نمی‌شد اینجا زندگی کرد. همه‌شان فقیر یا خلاف‌کار بودند. ما دیگه امنیتی نداشتیم.

محرومیت ساکنان قدیمی و اصیل محله قلعه‌خیابان از ارزش‌هایی همچون امنیت، وجود تعاملات صمیمانه، همبستگی افراد با هم و شناخت یکدیگر موجب شکل‌گیری احساس محرومیت نسبی در آن‌ها شد و این امر آن‌ها را از محله خود دور کرد؛ به‌طوری‌که این ساکنان در محله‌ای که در آن پرورش یافته بودند احساس می‌کردند از فرصت لازم برای رسیدن به هدف‌های باارزش خود محروم شده‌اند و به مهاجرت روی آوردند. یکی دیگر از سیاست‌هایی که سبب مهاجرت معکوس و خالی‌شدن بافت قلعه‌خیابان از بومیان اصیل این محدوده شد، سیاست‌های حمایتی آستان قدس رضوی ویژه آبیاری و کشاورزان بومی بود که سال‌ها در این محدوده اسکان و اشتغال داشتند. در حقیقت مناسبات ارضی و ملک داری در این محدوده به ویژه از نظر رابطه بین مالک و مستاجر یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم در شکل‌گیری و پیدایش این محله می‌باشد. با توجه به اینکه این زمین‌ها که در زمره املاک وقفی آستان قدس رضوی در دوره صفوی است، این نهاد در قالب سیاست‌های خیرخواهانه و فقرزدایی خود، برخوردهای متفاوتی با زمین‌داران این محله داشته است، به گونه‌ای که امروز اکثریت زمین‌های این محله متعلق به آستان قدس بوده که به واسطه دادن اجاره بهاء نوع جدید از بهره‌برداری را برای این محله به ارمغان آورده است و از سوی دیگر تهی‌دستان شهری نیز با استفاده از

فرصت روستایی بودن این محله در برهه های زمانی ده های ۱۳۷۰-۱۳۸۰ به تصرف خزنده این زمین‌ها اقدام نموده اند. در حقیقت آستان قدس رضوی در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی و به‌واسطه در پیش گرفتن سیاست حمایت از فقرا، زمین‌هایی را در بخش رضویه برای حمایت از کشاورزان و آبیاران خود به آن‌ها اعطا کرد که پیامد این واگذاری، مهاجرت این قشر بومی از منطقه قلعه‌خیابان و از بین رفتن هویت روستایی این محله بود.

۳-۲-۸- مهاجرت قوم بلوچ

فرایند مهاجرت زاهدانی‌ها و بلوچ‌ها به محله قلعه‌خیابان در طول چهل سال گذشته همواره ادامه داشته است، اما حضور پررنگ و مشهود آن‌ها در این محله را می‌توان به دو نوع تقسیم‌بندی کرد: ۱- مهاجرت اقلیمی و ۲- مهاجران تأمین معاشی.

مهاجرت اقلیمی: بلوچ‌ها در دوره قاجار از بلوچستان مهاجرت کردند و در تشرشیز، تربت حیدریه، خواف، سرخس و صالح‌آباد اسکان یافتند (نجف‌زاده، ۱۳۹۲، ص. ۵۱۰). به‌دلیل خشکسالی و وضعیت بد اقتصادی، بلوچ‌ها در دوره‌های مختلف بعد از انقلاب اسلامی در دهه ۱۳۶۰ به‌تناوب به شهر مشهد مهاجرت کردند و وارد قلعه‌خیابان شدند و محله تاجرآباد را شکل دادند.

زهر از بلوچ‌های منطقه قلعه‌خیابان بیان کرد:

-بلوچ‌های این محله همه اول رفته بودند سرخس، خواف و صالح‌آباد؛ بعد به‌خاطر خشکسالی آمدند مشهد. مهاجرت شبکه‌ای: این گروه در مرحله دوم مهاجرت یعنی در دهه ۱۳۸۰ پس از شهادت سردار شوشتری در استان سیستان و بلوچستان و انسداد مرزها و برهم‌خوردن سبک معیشتشان مجبور شدند به مشهد مهاجرت کنند. مهاجرت این افراد برپایه شبکه خویشاوندی و دوستی و همچنین شناخت از جامعه مقصد شکل گرفت. این افراد براساس آشنایی‌ای که از این محله به‌واسطه حضور خویشاوندان خود در این محله داشتند و به‌منظور دستیابی به پیوندهای اجتماعی به این محله مهاجرت کردند که پیامد حضور این قوم، گسترش فضاهای سکونتگاهی و جدایی‌گزینی اجتماعی اقوام در سطح محله قلعه‌خیابان بوده است.

۳-۲-۹- اتخاذ سیاست‌های پذیرش حاشیه به‌عنوان محدوده شهری و مشخص کردن مرز شهری

در اواخر دهه ۱۳۸۰ نقاط اشتراکی درباره شهرک شهید باهنر یا قلعه‌خیابان بین مسئولان شهری شکل گرفت که آن اطلاع‌داشتن از مشکلات این منطقه و تأیید آن مشکلات بود؛ به‌طوری‌که دیگر مشخص بود ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر جمعیت در ۱۶۰ هکتار مساحت با حجم زیاد معضلات کالبدی، زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی را نمی‌توان با دهیاری و شورای اسلامی روستا مدیریت کرد. محله‌ای که به‌دلیل نبود برنامه‌ریزی صحیح مدیران شهری در طول این سال‌ها و نداشتن طرح تفصیلی مصوب و نادیده‌انگاری مدیران استانی و شهری به یکی از محلات حاشیه شهر مشهد تبدیل شد بود؛ از این‌رو در تیرماه سال ۱۳۸۸ در جلسه کارگروه مسکن و شهرسازی استان خراسان رضوی، واگذاری شهرک شهید باهنر به‌عنوان یک ناحیه مفصل شهری به شهرداری مشهد تصویب شد. از سال‌های ۱۳۸۸ به بعد، مدیریت شهری با تغییر سیاست، پذیرش محدوده

شهرک شهید باهنر را در محور کار خود قرار داده است. ذکر این نکته ضروری است که سیاست‌های پذیرش و دادن خدمات به حاشیه شهر حکم تیغ دولبه را دارد؛ یعنی اگر اقداماتی مناسب انجام شود، حاشیه امن و پایداری شهری را به همراه دارد و اگر اقداماتی ناکارآمد انجام شود، موجب بازتولید حاشیه و افزایش جمعیت خواهد شد و مشکلاتی را برای حاشیه‌نشینان ایجاد می‌کند. مرور داده‌های جمعیتی و پژوهشی محله قلعه‌خیابان و تصاویر زیر ناکارآمدی این سیاست‌ها را در این محله حاشیه‌ای نشان می‌دهد.



شکل ۳- عکس هوایی از قلعه‌خیابان در سال ۱۳۸۸ شکل ۴- عکس هوایی از قلعه‌خیابان در سال ۱۴۰۰

۴- بحث

مهاجرت فزاینده به شهر مشهد در طول ۶۰ سال گذشته، علاوه بر تغییر ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این شهر، افزایش وسعت شهری را نیز به همراه داشته است، به طوری که در طول این بازه زمانی، وسعت شهر مشهد از ۷۸ کیلومتر مربع در سال ۱۳۵۵ به ۳۵۱ کیلومتر مربع در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته که از این میزان ۳۸/۹ متر مربع معادل ۱۱ درصد آن محلات حاشیه شهر مشهد را شامل می‌گردد.

تحلیل یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در کنار مسیر منتهی به مشهد بودن، تشدید خشکسالی، وجود زمین‌های کشاورزی و مهیا بودن بستر اشتغال غیررسمی باید از عنصر محوری مهاجرت نام برد که سبب پیدایش و تشکیل این محلات حاشیه‌نشین و تبدیل آن به حاشیه شهر در پیکر کلان‌شهر مشهد شده است.

لذا شکل‌گیری محله حاشیه‌نشین قلعه‌خیابان را نمی‌توان خارج از چارچوب پدیده مهاجرت بررسی کرد؛ مهاجرتی که گوناگونی و اتکا به تحولات و اثرات پیامدی غیرپیش‌بینی شده سیاست‌های آستان قدس رضوی، مدیریت شهری و کشوری، مهم‌ترین ویژگی‌های آن به شمار می‌رود. در تبیین یافته‌های تحقیق، نظریات بوکان و تولاک (۱۹۶۲) معطوف به انگیزه دولت‌ها در بیشترکردن منافع خود به واسطه جلب رأی و درآمد و

نه برآورده کردن منافع عمومی (سن، ۲۰۰۰) در تبیین سیاست مهاجرت اجباری قوم چلو، تئوری سرمایه انسانی لاری ساستاد^۱ در راستای مهاجرت صاحبان صنایع به این محله به واسطه کسب بیشترین بازدهی (ارشاد و حزباوی، ۱۳۸۴، ص. ۶۶۷) و مهاجرت قوم افغان و بلوچ در چارچوب نظریه شبکه^۲ (سرمایه اجتماعی) قابلیت تبیین شدن دارند؛ زیرا براساس این نظریه، شبکه خویشاوندی و ارتباطی جامعه مبدأ، مهاجران قبلی نواحی مقصد را به غیرمهاجران در نواحی مبدأ پیوند می‌دهد (مسی، ۱۹۹۰، ص. ۷).

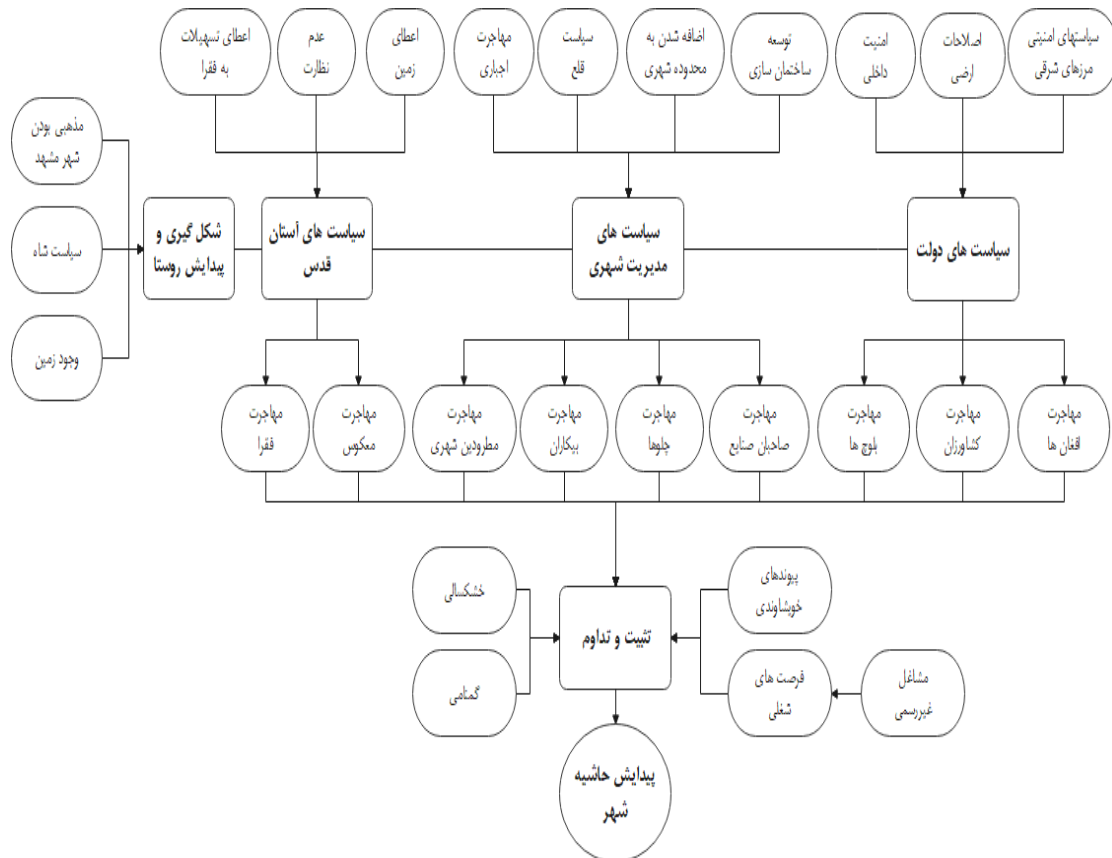
موج مهاجرت روستائیان محله قلعه‌خیابان در دهه ۵۰ را با توجه به نظریات صاحب نظران دیدگاه بوم‌شناختی از قبیل کلینارد، مکیتاش، ورث، برگس و هویت می‌توان مورد بررسی قرار داد به گونه‌ای که در این دسته مهاجرت‌ها تغییر در نحوه استفاده از زمین‌های شهری، تغییر در وضعیت اجاره، دسترسی راحت‌تر به محل کار، کمبود مسکن متأثر از سیاست‌های دولت مرکزی مطرح می‌باشد. نظریه بحران منزلتی^۳ نیز از جمله نظریات در تبیین تحولات منجر به مهاجرت معکوس ساکنین اصیل این محله می‌باشد که اشاره به وابستگی تصمیم‌گرفتن به مهاجرت به نوع نگاه ساکنان به شأن و منزلت اجتماعی خود در محله دارد (فاطمی امین، ۱۳۹۷، ص. ۶۵). همچنین در چارچوب نظریه محرومیت نسبی منگالام^۴ و شوارزولر^۵ در نظریه محرومیت نسبی نیز مهاجرت معکوس ساکنین محلی این محله حاشیه‌نشین قابلیت تبیین دارد، به طوری که محرومیت ساکنان قدیمی و اصیل محله قلعه‌خیابان از ارزش‌هایی همچون امنیت، وجود تعاملات صمیمانه، همبستگی افراد با هم و شناخت یکدیگر موجب شکل‌گیری احساس محرومیت نسبی در آن‌ها شده و این امر آن‌ها را از محله خود دور می‌کند.

پرکاربردترین تئوری در تحلیل جامعه‌شناختی مهاجرت فقرا و تهیدستان به محله قلعه خیابان در چارچوب نظریات نیازهای مازلو قابلیت بررسی دارد، همچنین مهاجرت مجرمین و آسیب دیدگان اجتماعی به این محله را نیز می‌توان در چارچوب نظریات اقتصاد جرم بکر و بالخص نظریه کرینش و کلارک تبیین نمود. در این دیدگاه فرض بر این است که مجرم در انتخاب هدف مجرمانه خود تصمیمی کاملاً منطقی و عالمانه می‌گیرد و برای این کار به جاذبه‌ها و امکانات مکان برای انجام‌دادن عمل مجرمانه توجه می‌کند (فاطمی امین، ۱۳۹۷، ص. ۳۱).

در بین این نظریات جایگاه نظریات دیدگاه لیبرالیستی از قبیل روستو، ترنر، آبرامزو لوئیس که پیدایش حاشیه شهر را فرایندی طبیعی و به‌مثابه معلول عوامل داخلی و در جهت گذار از جامعه سنتی به جامعه‌ای صنعتی به‌عنوان ضرورتی در فرایند این تحول نام می‌برند، کمتر اشاره شده است، اما ردپایی نظریات طرفداران نظریه اقتصاد سیاسی فضا که پیدایش مناطق محلات حاشیه‌نشین را ناشی از مهاجرت از نقاط محروم به

-
1. Larry Sjaastad
 2. Network theory
 3. Status Crisis Theory
 4. Mangalam
 5. Schwarz –Weller

نقاطی که انباشت سرمایه در آنجا صورت گرفته است، در بیشتر تحولاتی منجر به پیدایش محله حاشیه‌نشین قلعه خیابان مشاهده می‌گردد.



شکل ۵- نقشه تحلیل مضامین پیدایش حاشیه شهر قلعه خیابان

نگاه تحلیلی به یافته‌های این پژوهش با سایر پژوهش‌های به ما نشان می‌دهد که هر چند حضور فقراء و بیکاران، پاسخگو نبودن ظرفیت شهری به نیاز مهاجران، ناتوانی مهاجران برای جذب شدن در محیط شهری و طرد شدن آن‌ها، تغییرات اقلیمی و خشکسالی از نتایج مشترک این پژوهش‌ها می‌باشد، اما وجه تمایز یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که هر چند بیشتر مطالعات مرور شده، مهاجرت را تنها در یک بعد (مهاجرت روستا-شهر) به عنوان علل پیدایش حاشیه‌نشینی معرفی نموده‌اند، اما یافته‌های پژوهش حاضر که بر پایه رویکرد کیفی متمرکز است، نشان داد که علاوه بر مهاجرت روستاییان نباید از مهاجرت شهری (طردشدگان شهری)، مهاجرت قومیتی (چلوها-زاهدانی)، مهاجرت استانی (زاهدانی‌ها-چابهار)، مهاجرت سیاسی (افغان‌ها و پاکستانی‌ها)، مهاجرت فصلی (کارگران فصلی)، مهاجرت معکوس و مهاجرت‌های اجباری غافل ماند.

۵- نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

شهر مشهد به عنوان یک کلانشهر مذهبی رشد شهری زیادی را در دهه‌های اخیر تجربه کرده است که تنها ناشی از افزایش و تغییر نرخ جمعیت شهری نبوده، بلکه به عوامل چون مهاجرت به واسطه جاذبه‌ها شهری و دافعه‌های جامعه مقصد وابسته است و امروزه حاشیه‌نشینی بسان کمربندی دور تا دور شهر مشهد در بخش‌های شمال، شمال شرق و شمال غرب را در ۸ پهنه (پهنه جاده قدیم قوچان، پهنه خواجه ربیع، پهنه سیس-آباد، پهنه دروی، پهنه التیمور، پهنه گلشهر، پهنه قلعه خیابان، پهنه سیدی) و ۶۶ محله شهری به وسعت ۳۸۹۴ هکتار فرا گرفته است.

یکی از این سکونتگاه‌های جدید، محله قلعه خیابان در شهر مشهد است که به طبع عوامل مختلف از یک جامعه روستایی، به محله حاشیه‌نشین شهر مشهد بدل گردیده است. هدف اصلی این مقاله بررسی چگونگی و علل پیدایش قلعه خیابان به عنوان یکی از مناطق حاشیه‌شهر در کلانشهرها مشهد بوده است که با استفاده از روش تحقیق کیفی و استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق با ۲۱ نفر از نخبگان، ساکنین و معتمدین محلی طراحی و اجرا شد.

تحلیل مضمون داده‌های جمع‌آوری شده در این پژوهش را با ۸۲ مقوله فرعی، ۲۸ زیر مقوله و ۱۰ مقوله اصلی روبرو نموده است که تحلیل جامعه‌شناختی این مقولات بر پایه دوره‌های تاریخی مشخص ساخت که مداخلات اصلاحات ارضی نقطه آغاز تحولات اجتماعی و کالبدی در محله قلعه خیابان می‌باشد. سیاستی که مهاجرت خرده مالکین، کارگران فصلی و خوشه‌نشینان مهمترین پیامد آن بود که سبب درهم‌شکستن مناسبات کهنه زمین‌داری در این روستا شد. سیاست‌های توسعه شهری در اوایل دهه پنجاه شمسی نیز سبب مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهر مشهد و سکونت جمعیت سرریز شهری به این روستا گردید، جمعیتی که به واسطه تغییر در وضعیت اجاره شهری، کمبود مسکن و ارزانی زمین به این محله مهاجرت کردند و در محله قلعه‌خیابان ساکن شدند و چادرنشینی، اسکان نامناسب شهری و حلبی‌آباد را برای این محله به همراه آوردند. مهاجرت افغان‌ها، به دنبال امنیت داخلی و عدم امنیت در کشورشان و مهاجرت اقوام بلوچ به واسطه وجود بستر مناسب معیشتی، ارتباط با شبکه اجتماعی و عدم نظارت و برنامه‌ریزی دولت از دیگر تحولات تاثیرگذار بر تغییر ساختار کالبدی و اجتماعی این محله می‌باشد که همراه شدن آن با سیاستهای مدیران شهری در راستای رهایی از مشکلات داخل شهر و کسب رضایت و مشروعیت سبب مهاجرت اجباری اقوام چلو به این محله شد، سیاستی که ادغام نشدگی این مهاجران در طول بازه زمانی چهل ساله را برای این محله به ارمغان آورده است.

سایر یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که هجوم طردشدگان شهری که به تبع سیاستهای سخت‌گیرانه و قلع مدیریت شهری در دهه ۱۳۷۰ رخ داد یکی دیگر از مهمترین عوامل مهاجرت و پیدایش حاشیه در این محله بود که به تبع خود سبب افزایش ناامنی و نابسامانی‌ها محیطی و اجتماعی گردید و پیامد آن مهاجرت معکوس و خالی شدن سکنه اصیل و قدیمی این روستا بود. در نهایت افزایش حجم معضلات کالبدی،

زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی مدیریت شهری را در سال ۱۳۸۸ بر آن داشت که با پذیرش این محدوده و اضافه شدن این محله به شهر مشهد و ارائه خدمات را محور سیاست‌های خود قرار دهد که این سیاست سبب ساز افزایش و بازتولید جمعیت در این محله حاشیه‌نشین شد.

جمع‌بندی تحلیل فرایند چگونگی پیدایش قلعه خیابان، را با عامل محوری مهاجرت روبه‌رو می‌سازد که محصول سیاست‌های شهری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطوح کلان و شهری می‌باشد؛ اگرچه این مقوله‌های اصلی سبب پیدایش این محله حاشیه‌نشین گردیده است، اما سایر پهنه‌های حاشیه‌نشین در شهر مشهد با این تحولات همراه نبوده و پیدایش این پهنه‌ها نگاه عمیق پژوهشگرانه را می‌طلبد، لذا بر پایه نتایج این پژوهش پیشنهادات کاربردی زیر پیشنهاد می‌گردد:

- با توجه به اینکه هسته اولیه پیدایش قلعه ساختمان روستا بوده است، نظارت و برنامه‌ریزی صحیح مدیریت شهری بر ۱۲۸ روستای حریم شهر مشهد به‌منظور جلوگیری از پیدایش محلات حاشیه‌ای جدید باید در دستور کار قرار گیرد.

- با توجه به عدم ادغام مهاجرین در ساختار اقتصادی و اجتماعی شهر مشهد، پیشنهاد می‌شود مدیریت شهری استراتژی‌های مناسبی برای ادغام مهاجرین بویژه در نواحی حاشیه شهر بکار ببندد.

- وضعیت برخی از گروه‌های حاشیه‌ای مانند چلوها دهه‌هاست که بصورت لاینحل باقی مانده و این بلاتکلیفی مانع از ادغام آنها در ساختار اقتصادی و اجتماعی شهر مشهد و خروج از وضعیت حاشیه نشینی شده است. پیشنهاد می‌شود وضعیت این گروه‌ها بعد از دهه‌ها مشخص و از حداقل حقوق اجتماعی برخوردار گردند.

- سیاست‌های مدیریت شهری در انتقال گروه‌های مطرود از متن شهر به حاشیه در دامن زدن به وضعیت حاشیه نشینی در شهر مشهد موثر است. اتخاذ سیاست‌های مناسب همراه با توانمندسازی این گروه‌ها در متن شهر می‌تواند از تمرکز این گروه‌ها در حاشیه شهر جلوگیری نماید.

- آستان قدس رضوی بعنوان یکی از بازیگران اصلی در حاشیه شهر مشهد محسوب می‌شود. تحلیل سیاستی اقدامات آستان قدس در حاشیه شهر می‌تواند مسیر اقدامات این نهاد را از حاشیه شهر به مناطق مهاجر فرست به منظور جلوگیری از ایجاد موج‌های مهاجرتی سوق دهد.

کتاب‌نامه

۱. احمدیان، م.ع. (۱۳۸۲). حاشیه‌نشینی: ریشه‌ها و راه‌حل‌ها. اندیشه حوزه، (۴۳ و ۴۴)، ۲۷۷-۲۹۵.
۲. احمدی‌پور، ز. (۱۳۷۴). حاشیه‌نشینی در بخش مرکز شهر کرج. مجله رشد آموزش جغرافیا، ۳۸.
۳. ارشاد، ف. و حزباوی، ع. (۱۳۸۴). بررسی برخی انگیزه‌های تمایل به برون‌کوچی از شهر اهواز. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۶(۲)، ۱۰۷-۱۲۰.
۴. اساس شهر شرق، مهندسان مشاور. (۱۳۹۱). طرح تفصیلی شهرک شهید باهنر: مطالعات پیش‌نیاز تدوین الگوی توسعه.

۵. اکبری، ا.، و قربانی، ا. (۱۳۹۹). بررسی و تحلیل دلایل حاشیه‌نشینی در شهرستان زاهدان (مورد مطالعه: مناطق شیرآباد و کریم آباد). نشریه علمی دانش انتظامی سیستان و بلوچستان، ۱۱(۳۶)، ۴۱-۵۷.
۶. اکبری، ح. (۱۳۹۴). آسیب‌ها و نابهنجاری‌های محلات شهر مشهد. مشهد: طرح پژوهشی شهرداری مشهد.
۷. بهمنی، س.، و ملتفت، ح. (۱۳۹۹). مطالعه داده‌بنیاد پیدایش حاشیه‌ها بر پیکر کلان‌شهر اهواز. فصلنامه علمی جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر، ۲(۳)، ۸۶-۱۱۴.
۸. پیران، پ. (۱۳۷۳). آلودگی‌های در ایران: دیدگاه‌های نظری. مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۴، ۹۴-۱۰۱.
۹. حسین‌زاده یزدی، س.، و یعقوبی، ع. (۱۳۹۹). بررسی علل و پیامدهای حاشیه‌نشینی در کلان‌شهرهای کشور (بررسی موردی: حاشیه‌نشینی در کلان‌شهر مشهد). فصلنامه راهبرد توسعه، ۶۴، ۳۲-۶۶.
۱۰. رضائی فرخند، ا. (۱۳۹۷). تحلیل جامعه‌شناختی علل ناکارآمدی سیاست‌های حاشیه‌زدایی در شهر مشهد و ارائه الگوی مداخله کارآمد. مجله راهبردی پژوهشکده فرهنگ و هنر.
۱۱. زاهد زاهدانی، س. س. (۱۳۶۹). حاشیه‌نشینی. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
۱۲. شریعت‌زاده، م. (۱۳۸۲). ساختارهای مورد نیاز جهت مهار و سازماندهی حاشیه‌نشینی در ایران. مقاله ارائه‌شده در مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.
۱۳. شریفی پستچی، م.، جوان، ج.، شایان، ح.، و رهنما، م. ر. (۱۳۹۴). تحلیل علل جمعیت‌پذیری روستاهای حریم مادرشهرها با استفاده از تحلیل عاملی (مطالعه موردی: قلعه‌خیابان مشهد). مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۴(۱)، ۱۵-۲۸.
۱۴. فاطمی امین، ز. (۱۳۹۷). تحلیل نهادی-ساختاری خروج نخبگان از کشور (رساله دکتری جامعه‌شناسی منتشرنشده). دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.
۱۵. فولادیان، م.، و رضایی بحرآباد، ح. (۱۳۹۸). نگاهی به آسیب‌های اجتماعی و جرائم در حاشیه شهر مشهد و بررسی عوامل تسهیل‌کننده آن. جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، ۸(۱)، ۱-۲۷.
۱۶. محسنی، ر. ع. (۱۳۸۹). مسئله حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی با تأکید بر توانمندسازی آن (مطالعه موردی: حاشیه‌نشینی شهر گرگان). فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیای انسانی، ۲(۴)، ۱۳۳-۱۵۲.
۱۷. محمدپور، ا. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش ۲. تهران: جامعه‌شناسان.
۱۸. محمد، ع. ر.، و مطیعی لنگرودی، س. ح. (۱۳۸۷). ارتباطات مرکز و پیرامون شهر و روستا (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشرنشده). دانشگاه پیام نور، تهران.
۱۹. مرکز آمار ایران. (۱۳۳۵). کتاب سال آمار. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
۲۰. مرکز آمار ایران. (۱۳۵۴). کتاب سال آمار. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
۲۱. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن. مرکز آمار ایران، بازیابی از <https://www.amar.org.ir>
۲۲. موحد، ع.، و ظریفی، ک. (۱۳۹۱). بررسی ابعاد اقتصادی/اجتماعی و کالبدی هشت منطقه حاشیه‌نشینی شهر. مقاله ارائه‌شده در اولین کنفرانس اقتصاد شهری ایران، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.
۲۳. مولوی، ع. ح. (بی‌تا). پیش‌نویس فهرست موقوفات آستان قدس رضوی (جلد اول). ذیل خیابان.

۲۴. نجف‌زاده، ع. (۱۳۸۸). اقلیت‌ها، اقوام و گروه‌های مهاجر ساکن مشهد به انضمام گزارش‌های یوسف خان هراتی. مشهد: طرح پژوهشی مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد.
۲۵. نجف‌زاده، ع. (۱۳۹۲). گروه‌های مهاجر به مشهد از صفویه تاکنون. مشهد: انتشارات مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد.

26. Abbasi_Shavazi. M. J., Glazebrook, D., Jamshidiha, Gh. Mahmoudian, H., & Sadeghi, R. (2005). *Return to Afghanistan? A study of Afghans living in Mashhad, Islamic Republic of Iran*. Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit.
27. Bühn, A., Schneider, F. (2011). Corruption and the shadow economy: Like oil and vinegar, like water and fire? *International Tax and Public Finance*, 19, 179-194.
28. Clinard, M. B. (1966). *Slum and community development*. New York: The free Press.
29. Fegue, C. (2007). Informal settlements' planning theories and policy making in sub-saharan Africa—from 'site to 'people': A critical evaluation of operations 'Murambatsvina' and 'Garikai' in Zimbabwe. *International Journal of Sustainable Development and Planning*, 2(4), 445-460.
30. Johnson, Ch. (2004). *Afghanistan*. UK: Oxfam GB.
31. Schwarzer, R., Hahn, A., & Schröder, H. (1994). Social integration and social support in a life crisis: Effects of macrosocial change in East Germany. *American Journal of Community Psychology*, 22, 661-683.
32. Sen, A. (2000). *Social exclusion: Concept, application, and security*. Office of Environment and Social Development Asian Development Bank.
33. Townsend, P. (1979). *Poverty in United Kingdom: A survey of household resources and standards of living*. England: Penguin Books Ltd, Middlesex.
34. Zhang, L. (2011). The political economy of informal settlements in post-socialist China: The case of Chengzhongcun(s). *Geoforum*, 42(4), 473-483.

Emergence of a marginalized area on the body of Mashhad metropolis; Sociological-economic analysis of the process of formation of the Qala- e-Khiaban neighborhood

Abstract:

The outskirts of Mashhad are a collection of population centers that have expanded around the metropolis of Mashhad over the years. Which have created various problems for the metropolis of Mashhad; According to this, the present study was conducted with the main purpose of a sociological study of the process of formation and continuation of the Qala-e-Khiaban neighborhood in Mashhad as one of the essential informal settlements

This research was conducted using an interpretive approach and qualitative research method and based on in-depth semi-structured interviews with 21 elites, residents, and informants from the Qala-e-Khiaban neighborhood. Data were collected using the snowball sampling method until the researcher reached theoretical saturation. Thematic analysis of the data collected in this research has confronted us with 82 sub-categories, 28 sub-categories, and 10 main categories.

The results showed that the policies of the government, the policies of urban management, the policies of Astan Quds, and the existence of the village of Qaleh-e-Khayban had prepared the necessary conditions for the initial formation of the neighborhood of Qaleh-e-Khayban. At different historical stages and due to developments and land reform policies, the war in Afghanistan, policies of destruction by the city administration, and the non-integration of excluded people in the society and economy of Mashhad have created and strengthened the migration of social and economic groups to Qala-e-Khayban neighborhood. Along with the spread of drought, the existence of anonymity and kinship ties and the expansion of informal jobs have led to the continuation and consolidation of marginalization and ultimately the formation of one of the most important suburbs of Mashhad.

Keywords: Marginalization, Formation, Qala-e-Khayaban neighborhood, Mashhad, Qualitative research.

